



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۶۰) : ألحق بعضهم الحائض والنفساء بالجنب في حكم النومات ، والأقوى عدم الإلحاق وكون المناط فيهما صدق التواني في الاغتسال ، فعمه يبطل وإن كان في النوم الاول ، و مع عدمه لا يبطل و إن كان في النوم الثاني أو الثالث .

دیروز عرض کردیم که صاحب عروة در مسئله ۶۰ می فرمایند که بعضی ها حائض و نساء را در احکام نومات به جنب ملحق کرده اند اما ایشان فرمودند که اقوی عدم الحاق این دو به جنب می باشد زیرا در اینجا شارع مقدس حکم خاصی مربوط به جنب در نومات مختلف دارد و الحاق این احکام خاص به حائض و نساء نیاز به دلیل دارد و ما هیچ دلیلی در اینجا بر الحاق نداریم و ما تابع آن موضوعاتی هستیم که در لسان ادله مأخوذ می باشد، بعد ایشان فرمودند که در باب حائض و نساء چیز دیگری ملاک و میزان می باشد و آن توانی (سستی) بر اغتسال می باشد یعنی اگر حائض یا نساء سستی کرد و غسل نکرد تا اینکه فجر طالع شد و اذان گفتند باید قضای آن روز را بجا بیاورد هر چند که در نوم اول باشد و اگر توانی نکرد روزه اش صحیح است هر چند که در نوم ثانی و ثالث باشد .

(مسئله ۶۱) : إذا شك في عدد النومات بني على الأقل .

صاحب عروة ترتیب فروع بر اصول کرده است و ما رد الفروع إلى الأصول می کنیم که هر دو از مراحل اجتهاد محسوب می شوند فلذا ایشان در این مسئله فرموده اند هر کجا که شک کرد در عدد نومات باید بنا را بر اقل بگذارد زیرا آن اقل متیقن است و آن زائد مشکوک است و اصل هم عدم زائد مشکوک می باشد بنابراین مثل سایر جاها که در صورت شک در اقل و اکثر باید بنا را بر اقل بگذاریم در مانحن فیه هم باید همین کار را بکنیم ، مسئله روشن است .

(مسئله ۶۲) : إذا نسي غسل الجنابة و مضى عليه أيام وشك في عددها يجوز له الاقتصار في القضاء على التقدير المتيقن وإن كان الأحوط تحصيل اليقين بالفراغ .

قبلاً خواندیم که اگر شخصی فراموش کرد که جنب بوده و بعداً یادش آمد باید هر چند روزی که جنب بوده را قضا کند اما حالا اگر شک کند در تعداد روزهایی که جنب بوده و فراموش کرده که غسل کند باید به

قدر متیقن اکتفاء کند ، در اینجا شک می کند و اقل و اکثر هم استقلالی می باشد چون ما یک اقل و اکثر استقلالی داریم و یک اقل و اکثر ارتباطی داریم ، ارتباطی در جایی است که یک امر وجود دارد که یک امتثال دارد و ما شک داریم در کم و زیاد بودن اجزاء و شرایطش مثل اینکه شک داریم آیا استعاذه قبل از حمد جزء صلوة است یا نه ؟ خوب در اینجا بعضی ها قائل به براءة هستند و بعضی ها قائل به اشتغال هستند که در اصول مفصل در این رابطه بحث شده است ، اما اقل و اکثر استقلالی در جایی است که چند امر و چند مأموریه وجود دارد مثل اینکه شخصی می داند که نماز قضا به گردنش می باشد ولی شک دارد که آیا ۱۰ روز است یا ۱۲ روز که در اینجا هر روزی چند نماز دارد و هر نمازی هم یک امر دارد و این شخص شک دارد که مثلاً تنها نماز صبحش قضا شده یا صبح و ظهر و عصر که در اینجا اقل و اکثر استقلالی می شود زیرا صبح یک امر دارد و ظهر یک امر و عصر هم یک امر دارد ، خوب و اما مسئله مانحن فیه اقل و اکثر استقلالی می باشد زیرا هر روزی یک امر دارد و اکثر در اینجا برائتی می باشند منتهی این بحث در اینجا شکل دیگری هم پیدا می کند به این صورت که اگر در اصل وجودش شک کنیم اصل عدمش است مثلاً نمی داند ۴ روز نماز قضا برگردنش است یا ۵ روز که ۴ روزش یقینی است و در روز پنجم شک داریم خوب اصل براءة و عدم قضاء روز پنجم می باشد ولی در مانحن فیه می داند که روزه را گرفته است منتهی شک در صحتش دارد که در اینجا قاعده فراغ و اصاله الصحة اقتضا می کند که روزه اش صحیح باشد زیرا اگر بعد از فراغ هر چیزی در صحتش شک کند اصل بر صحتش می باشد . ما باید بدانیم که همیشه اصاله الصحة بر استحباب تقدم دارد فلذا شما نگوئید که باید بقاء بر نسیان جنابت را استحباب کنیم چون همیشه اصاله الصحة مقدم بر استحباب می باشد زیرا اگر قرار باشد استحباب مقدم بر اصاله الصحة و قاعده فراغ شود دیگر هیچ موردی برای این قاعده باقی نمی ماند فلذا چون تقدم استحباب یلزم لغویته (اصاله الصحة) همیشه اصاله الصحة مقدم بر استحباب می شود .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين